# ج) موضوعیت کسوف و امارت اهلال هلال در ادله؛ شهر شخصی و کسوف آفاقی

(27:25)

اصل حرف این است: ایشان فرمودند: خسوف و کسوف با طلوع قمر یکی شد. اساس بحث فقهی ای که الآن می‌خواهیم بگوییم این است: از منظر بحث فقهی خیلی تفاوت است بین خسوف و کسوفی که شما مطرح کردید، با خروج قمر از تحت‌الشعاع. چرا؟ فرض می‌گیریم همه فرمایشات شما درست باشد و یک ظاهره سماویه باشند، اهل ارض هم در آن دخیل هستند و بقاع هم هستند اما نکته این است که حکم شرعی، خود عمل مکلف، وجوب و امثال اینها متفرع بر نفس این حادثه است. «اذا انکسف/ انخسف صلّ»؛ یعنی خود کسوف و خسوف، موضوع فعل مکلف است. اما در مانحن فیه خودِ اهلال هلال و رؤیت هلال که موضوع فعل مکلف نیست. وقتی اهلال هلال شد، دخل الشهر. شهر داخل می‌شود. ماه قمری آغاز می‌شود. پس اصالً رؤیت هلال و اهلال و اینها، موضوع درست می‌کند، نه اینکه خودش حکم را بیاورد. کسوف، یک موضوع درست نمی‌کند بلکه خودش موضوع است. خودش موضوع است که حکم روی آن می‌آید. اما اهلال هلال می‌گوید «دخل الشهر» و ماه آغاز شد. این از نظر فقهی خیلی مهم است. ما نباید از این غضّ‌نظر بکنیم. الآن می‌گویند «دخل الشهر». اینجا است که تفاوت عظیم سر بر می‌آورد. خیلی تفاوت می‌کند. اگر آن تفاوت قبلی چیزی نباشد، اینجا می‌بینیم خیلی متفاوت شده‌اند.

شما می‌گویید بقاع در خسوف و کسوف دخالت دارد، خب هر جا ندیدند نخوانند. وقتی شمس گرفت مولی می‌گوید نمازبخوانید، خب وقتی برای شما در این شهر نگرفت نخوانید. در اینکه مشکلی ندارید. زلزله برای شما نیست خب نخوانید. کسوف برای تو نیست نخوان. در این اصالً مشکلی ندارید. اما مولی گفته وقتی رؤیت هلال شد، ماه آغاز شد؛ «دخل الشهر». بعد می‌گوید «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»[1]، حال شروع به روزه گرفتن کن. پس موضوع وجوب صوم، اهلال هلال نیست. بلکه دخول شهر است. و اهلال هلال امارهٔ آن است. طریق به دخول شهر است. ما قبلاً از ادله آن بحث کرده‌ایم. من به این خاطر برنمی گردم چون مفصّل صحبت کرده‌ایم. ادله اثباتیه دلالت داشت که اهلال هلال در وقت دخول شهر است. ما همه مبانی آن را بحث کردیم. فعلاً می‌خواهیم روی واضح‌ترین مرتکزات جلو برویم.

---

[1] البقره ۱۸۵

---

بازبینی #2
ایجاد شده 18 ژانویه 2026 15:24:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 ژانویه 2026 13:33:55 توسط ... .